

خلاصه ی کتاب « الفبای مدیریت کلاس درس »

(راهنمای برای آموزش اثر بخش)

اصولا می توان معلمان را به سه گروه تقسیم کرد:

۱. مداخله گر ۲. غیرمداخله گر ۳. معتقد به تاثیر متقابل

بر اساس مشاهدات ولفگانگ و گلیک من (۱۹۸۶-۱۹۸۰) مداخله گران معتقدند که دانش آموز بر مبنای شرایط محیطی تکامل می یابد. در این نقش، معلم بخشی از شرایط محیطی تلقی می شود و وظیفه اش اداره محیط با استفاده از اصول شرطی سازی است.

غیرمداخله گران معتقدند که برای دانش آموز باید محیطی فراهم کرد که در آن برای قرار گرفتن در جاده ی پیشرفت مورد حمایت قرار گیرد و موانع سر راهش هموار گردد. به نظر غیرمداخله گران دانش آموز دارای انگیزه ی درونی است و کافی است که این انگیزه پرورش یابد نه اینکه کنترل شود، تا بتواند به بار بنشیند و معلم نباید تنها نقش کنترل کننده به خود بگیرد.

پیروان نظریه تاثیر متقابل معتقدند که مشکلات بدون مسئولیت پذیری مشترک و مشارکت کامل همه طرف های در تصمیم گیری، قابل حل نیست. آنها معتقدند که هر دو طرف در پیدایش مشکل نقش دارند پس باید حل مشکل از جانب هر دوی آنها صورت گیرد.

آنچه که ما در تعلیم و تربیت انجام می دهیم، نمایش تفاوتهاست. باید کوشید از نظراتی استفاده کرد که مورد بیشتر کودکان، اکثر مواقع و در بیشتر شرایط و موقعیت ها صدق کند. هدف ما این است که این تفاوتهای نظری را در عمل، مشخص تر کنیم.

اگر آموزش اثربخش در کار نباشد، هیچ یک از مهارتهای مدیریت کلاس به جایی نخواهد رسید. تعلیم و تربیت درست می تواند به عنوان یک عامل موثر عمل کند، عاملی که باعث می شود تا دانش آموزان به موضوع آموزش چنان علاقه مند شوند که مشکلاتی در انضباط به بار نیاورند. به طور مثال هرچه کلاس جالبتر و هیجان انگیزتر باشد، حضور و تجمع در راهروها و حیاط مدرسه برای دانش آموز بی جاذبه می شود، اما وقتی آموزش جایگاه خود را به معنای واقعی کلمه در کلاس پیدا نکند، دانش آموز نیز احساس نمی کند که با شلوغ کردن در راهروها چیزی را در کلاس از دست داده است.

بسیاری از معلمان و حتی بخش اعظم افکار عمومی معتقدند که آنچه معلمان در حوزه تخصصی خود انجام می دهند، چیزی بیش از آنچه که یک عقل سلیم حکم می کند، نیست. بسادگی می توان گفت که این طور نیست. برای مثال عقل سلیم حکم می کند که اگر دانش آموزی مکررا از سر جای خود بلند شد، معلم هربار به او یادآوری کند که باید سر جای خود بنشیند. حال راه دیگری را در نظر بگیرد: یک واکنش موثرتر معلم به این رفتار می تواند تشویق کودکان دیگری باشد که بر سر جای خود نشسته اند و هنگامی که این کار انجام شد، واکنش بعدی می تواند تشویق همان کودک باشد، هنگامی که بر سر جای خود می نشیند.

پیشنهادهایی درباره مدیریت کلاس

مشکلات آموزشی به گونه ای غیرمنتظره به وجود نمی آیند، بلکه عواملی باعث ایجاد آنها می شوند. خانه و محیط های خارج از مدرسه تاثیر عمده ای روی کودکان و در نتیجه آمادگی آنها برای امتناع از ورود به مدرسه اعمال می کنند. ایجاد نظم و هماهنگی، شرط لازم تدریس موفق است. اداره کلاس کارآمد و موثر یگانه راهی است که به آموزش و یادگیری کارساز و موثر ختم می شود.

در این بخش پیشنهادهای ارائه شده است که یک معلم موفق می تواند به تنهایی آنها را انجام دهد و بر راهبردهای خود در مدیریت کلاس درس بیفزاید.

پیشنهادهای این بخش به صورت کاربردی و واقع بینانه طرح ریزی شده اند و بسیاری از آنها دارای ویژگی های چون وضوح، قابل فهم، مختصر، مرتبط و مناسب با هدف هستند. حال به توضیح مختصر این پیشنهادات می پردازیم:

عمل کنید، تنها واکنش نشان ندهید

عمل کردن در واقع مسلط بودن است و واکنش نشان دادن یعنی تسلط عوامل و شرایط را پذیرفتن. یک معلم موفق باید بیشتر عمل کند، البته با دانش و آگاهی لازم، و کمتر واکنش نشان دهد. او نباید اجازه بدهد که شرایط محیطی، یک طرز رفتار را به او دیکته کند. معلمانی که وقتشان را صرف واکنش نشان دادن می کنند، همیشه پیرو و تابع هستند، و معلمانی که وقتشان را صرف عمل کردن می کنند رهبرند و اغلب اوقات، تنظیم کننده و نظر آنچه که در آموزش کلاس و نحوه اداره آن به وقوع می پیوندد.

مسئولیت ها را واگذار کنید

یک دانش آموز در قبال رفتارش هرچه بیشتر احساس مسئولیت کند، نیاز کمتری به اعمال مدیریت از سوی معلم را خواهد داشت، بنابراین معلمان می بایست به جمعیت دانش آموزان مسئولیت پذیر بپردازند. اما اغلب معلمان مسئولیت را تنها به آن دسته از دانش آموزانی می دهند که قبلاً در این راستا خود را نشان داده اند. اما برای این کار چه حسنی وجود دارد؟ باید به همه این اجازه تجربه کردن امور را داد تا افراد بیشتری مسئولیت پذیر شوند. آموختن مسئولیت پذیری همانند آموختن چیزهای دیگر مستلزم فرایند آموزش و خطاست.

عقب بایستید و به دیگران فرصت بدهید

هنگامی که از دانش آموزی می خواهید به سوالی پاسخ دهد یا می خواهید سوال او را بفهمید، سعی کنید به او نزدیک نشوید و اجازه بدهید که دانش آموز با صدای بلند صحبت کند تا دانش آموزان دیگر هم قادر به شنیدن صحبت های او شوند. اگر نزدیک دانش آموز بشوید و سوال و جواب را آهسته انجام دهید زاویه دید و ارتباط چشمی شما با بقیه کلاس از بین می رود، و به دنبال آن، ارتباط غیرکلامی شما نیز با کلاس از بین خواهد رفت. در نتیجه بقیه ی دانش آموزان خود را در جریان بحث احساس نمی کنند و توجه آنها به جای دیگری معطوف خواهد شد.

آرام ، خونسرد و حرفه ای برخورد کنید

تادیب دانش آموزان را با خونسردی انجام دهید. شما نیز هنگامی که دانش آموزی تخلف می کند، وظیفه خود را به صورت اجرای برنامه انضباطی انجام دهید. از فریاد زدن، با حرکت انگشت تهدید کردن، و ... اجتناب کنید. اجرای برنامه انضباطی با خونسردی، دانش آموز متخلف را متوجه ارتباط رفتارش با نتیجه منطقی ناشی از آن می کند. در این صورت، احتمال کمتری می رود که رابطه جاری و معمولی بین شما تضعیف شود. دلیل دیگر برای داشتن برخورد خونسردانه و حرفه ای این است که رفتار شما هنگام تادیب دانش آموزان برای آنها الگوست. دانش آموزان علاوه بر مقررات ویژه ای که ارائه می دهید نحوه اجرایی این مقررات را نیز خواهند آموخت. خونسردی معلم نتیجه دیگری نیز دارد، جلب رضایت دانش آموزان. دانش آموزان یکی از خصوصیات بهترین معلم را، خونسردی در جریان توبیخ فرد خطاکار می دانند.

به دانش آموزان توجه کنید و این توجه را نشان دهید

علاقه مندی به دانش آموزان باید آشکار شود، تا تاثیر مثبتی بر رفتار دانش آموزان داشته باشد، نه این که صرفاً معلم احساس کند. به طور مسلم اگر احساسات خود را به صورت مشخص و محسوس ابراز کنیم ، چندان ضرر نخواهیم کرد. در مورد آموزش و پرورش نیز همین امر صادق است. پالونسکی اظهار می دارد: اهمیت مهارتهای دو جانبه افراد از مهارتهای آموزشی در مدیریت کلاس بیشتر است. یکی از مهارتهای دو جانبه، علاقه مندی و تفهیم وجود این علاقه است که به عنوان یکی از عناصر مهم پیشگیری از مشکلات رفتاری به شمار می آید. جایی که معلمان علاقه مند هستند و علاقه خود را ابراز می دارند، برداشت دانش آموزان از مدرسه، مکانی خوب و مطلوب است. این جا مکانی است که دانش آموزان در آن بودن را دوست دارند. هنگامی که مدرسه یک مکان مطلوب شود، موقعیتی فراهم می گردد تا: ۱. مشکلات انضباطی کمتری بروز کند. ۲. در به کارگیری فنون مدیریت کلاس موفقتر باشد.

رفتارهای خوب و مطلوب دانش آموزان را در نظر بگیرید

رفتار دانش آموزان در آینده، تا حدود زیادی متأثر از رفتار کنونی آنهاست و این امر به پاداش دادن در قبال رفتار خوب به همان میزان معنا می بخشد که به تنبیه در قبال رفتار نامطلوب. به دانش آموزان بفهمانید که رفتارشان را در نظر می گیرید. سعی کنید یک "پیام من" حاکی از قدرشناسی برای دانش آموزانی که رفتار خوبشان را فهمانده اند، داشته باشید. به طور مثال " بچه ها وقتی که شما سرجایتان آرام می نشینید و تکالیفات را انجام می دهید به من کمک می کنید تا به دانش آموزانی که احتیاج به مساعدت دارند، یاری کنم و من واقعا از این کار متشکرم." گاهی اوقات درک خوبیهای دانش آموزان به عنوان تلاشی برای افزایش رفتارهای مثبت آنها می تواند برای کاهش رفتارهای نامطلوب نیز به کار رود. هر قدر که خوبیهای دانش آموزان بیشتر در نظر گرفته شود، انگیزه بیشتری برای تداوم رفتارهای خوب خواهند داشت.

از تجربه های همکاران استفاده کنید

باید حداکثر استفاده را از وجود همکاران ببرید که یکی از بهترین منابع قابل دسترسی در هر جاست. در جمع همکاران مدرسه شما احتمالاً کارمندی با تجربه وجود دارد. بسیاری از معلمان علاوه بر امتیاز آگاهی از حرفه خود از مزایای دیگری نیز همچون آشنایی با اجتماع، دانش آموزان و والدین آنها برخوردارند. این مزیتی است که بسیاری از متون درسی، سمینارها فاقد آن هستند. در هر صورت باید بتوانید روشهای فراگیری موثر و کارا را تشخیص دهید. به طور مثال: دفتر یادداشتی برای ثبت عقاید و اصول موفقیت آمیز تهیه کنید. در صورت امکان قبل و بعد از مشاهده کلاس با معلم مورد نظر ملاقات کنید. سعی کنید آنچه را که او در صدد انجام آن است، متوجه شوید. پس از مشاهده کلاس در مورد آنچه که دیده اید، بحث کنید. سپس از معلم مورد نظر بخواهید که او نیز برای مشاهده به کلاس شما بیاید. آنها به دنیای واقعی شما نزدیکترند، چون فقط از کلاس دیگری به کلاس شما آمده اند و احتمالاً مشاهده کلاس شما امری است که بین شما دو نفر مطرح است پس احساس ترس کمتری دارید.

پیامدهای منطقی، طبیعی و تدبیری رفتارها را در نظر بگیرید

بی شک، رفتارهایی که در آینده از افراد بروز خواهد کرد، متأثر از رفتارهای حال و گذشته آنان است. پیامدهای از جهت این که رفتارهای بعدی را تحت تأثیر خود قرار دهند و یا آنها را کنترل نمایند، باهم متفاوتند. اگر بخواهید فهرستی از نمونه پیامدهای بخصوصی که دانش آموزان ممکن است به وجود آید تهیه کنید. باید پیامدهای ویژه را به صورت طبقه بندی در آورید، سه گروه مختلف پیامد خواهید داشت: پیامدهای طبیعی، منطقی و تدبیری.

پیامدهای طبیعی، آن دسته پیامدهایی هستند که به طور طبیعی از رفتار فرد ناشی می شوند، و افرادی مانند معلم، والدین، رئیس آنها را وضع نمی کنند. تنها عاملی که پیامدهای طبیعی را ایجاد می کند، خود طبیعت است. مثلاً اگر دانش آموزی برای امتحان مطالعه نکند، به طور طبیعی موفقیت کمتری را نسبت به زمانی که مطالعه می کرد، کسب می کند.

پیامدهای منطقی، آن دسته از پیامدها هستند که از سوی افراد وضع می شوند نه به وسیله طبیعت. مثلاً اگر دانش آموزی از عهده امتحان بخوبی برنیاید، منطقی است که معلم او را موظف به مطالعه درس و دادن یک امتحان جبرانی کند.

پیامدهای تدبیری، آن دسته پیامدهایی هستند که از سوی شخصی ساخته شده اند، اما برخلاف پیامدهای منطقی فهم ارتباط بین رفتار سوء فرد با این پیامدها زیاد روشن نیست و گاه هیچ گونه ارتباط منطقی بین آنها وجود ندارد. مثلاً برای دانش آموزی که در امتحان ناموفق بوده، پیامد تدبیری این است که صدمبار دور زمین بازی بود. پیامد تدبیری تقریباً مانند این است که به وجود آورنده این پیامدها آنها را از هوا می گیرد یعنی کاملاً اختراعی است و هیچ ارتباط منطقی بین او و رفتار وجود ندارد.

به طور انفرادی تادیب کنید

تادیب امری قابل توجه در نظم بخشی به کلاس است. تفاوت بین کسب نتایج موثر و غیر موثر به چگونگی تادیب بستگی دارد. معلمان هنگامی که دانش آموزان را به طور انفرادی یا شخصی تادیب می کنند، به نتایج کارسازتری می رسند. طبق گفته لاسلی آگاه سازهایی انفرادی فقط برای آن دسته از دانش آموزانی که از خود رفتار سوء بروز می دهند، پیشنهاد می شود. برای دانش آموزان مشکل است که دستورات مستقیم و شخصی را نادیده بگیرند. با دستورات کلی و عمومی مانند همه مشغول باشید ممکن است این فرصت را به برخی داده شود تا مثلاً کتاب کتابخانه اش را مطالعه کند. به طور کلی تادیب خصوصی در حین فعالیتهای کلاسی غیرمشهود صورت می گیرد و تقریباً غیرقابل استماع برای دانش آموزان دیگر به جز خود دانش آموز خطاکار و یا حداقل برای گروه کوچکی از دانش آموزان مجاور وی غیرقابل استماع است. به این ترتیب تنها معلم و دانش آموز خطاکار در آن دخالت دارند. شریکلی چهار مهارت مداخله گرایانه را برای معلمان جهت واکنش خصوصی نسبت به دانش آموزان اخلاک در ارتباط با تفهیم این که رفتارشان غیرقابل قبول است، ارائه می دهد. این مهارتها به ترتیب اجرا عبارتند از: نادیده گرفتن رفتار، اشاره، کنترل از نزدیک و کنترل همراه با برخورد. شاید معلمان "چشم پوشی برنامه ریزی شده" را فقط به شکل کوتاه مدت برای تخلفات جزئی برگزینند. تغییر حالات چهره و اشارات غیر شنیداری، مانند قرار دادن انگشت روی لبها، در اخطار دادن به دانش آموز خطاکار کمک می کند. قدم بعدی، کنترل از نزدیک یا نزدیک دانش آموز خطاکار ایستادن است. سرانجام کنترل و برخورد حرفه ای و پنهان از دید سایر دانش آموزان با رعایت سن و جنس آنان کمترین تردیدی برای دانش آموزان خطاکار باقی نمی گذارد که شما از رفتار وی ناراضی هستید.

دانش آموزان مشکل آفرین خود را با دانش آموزان کلاس دیگر جابه جا کنید

دانش آموزان مساله ساز خود را با دانش آموزان یکی از همکاران خود جابه جا کنید، کسی که به دانش آموزانی در سطح متفاوت از کلاس شما درس می دهد. او کودک مشکل آفرین شما را می پذیرد، شما نیز دانش آموز مساله ساز او را می پذیرید. این شیوه مدیریت کلاس به همان میزان که بیشتر حالت آموزشی دارد، از حالت تنبیهی کمتری نسبت به زمانی که دانش آموز را در سالن نگه داریم و یا به دفتر مدرسه بفرستیم، برخوردار است. توجه داشته باشید که هدف از این معاوضه دانش آموز با همکار، ایجاد تشویق برای کودک یا تنبیه او نیست. تنبیه پیامدی کاملاً مجزا در یادگیری عملی است. هدف صرفاً قرار دادن کودک در محیطی متفاوت است، جایی که می تواند دوباره به انجام وظیفه اش مشغول شود.

تفاوتهای فردی دانش آموزان را در نظر بگیرید

دانش آموزان با سطوح مختلف توانایی به کلاس می آیند، عده ای با استعداد و بعضی کند ذهن هستند، بعضی دیرآموز. عده ای طبیعی هستند، آن گونه که باید باشند. دانش آموزانی نیز با معلولیتهای جسمانی به کلاس می آیند. حتی انتظار از زمان، استعداد و انرژی صرف شده، توسط معلم نیز دستخوش این تغییر شده است. تعدادی از دانش آموزان همان طور که گلاس توصیف می کند، "تصویری از یادگیری در ذهن دارند که به خاطر آن از این که وظیفه خود را در مدرسه انجام دهند، ناتوانند." آنچه را که دانش آموزان در مدرسه انجام می دهند به کمک این تصاویر در ذهن، کاملاً مشخص و معین می شود. بنابراین یک معلم باید در تدریس از پیشینه های متفاوت دانش آموزان آگاهی داشته باشد. نسبت به این اختلافات فرهنگی، خانوادگی و فردی حساسیت نشان دهد. در عین واقعگرا بودن، معیارها را در نظر بگیرد. این روش، یادگیری بیشتر و در نتیجه مشکلات انضباطی کمتری به بار خواهد داشت.

قانون را اجرا کنید، دلیل تراشی را نپذیرید

همه کسانی که درباره مدیریت کلاس درس مطلب نوشته اند، بر این عقیده اند که معلمان باید سیاست انضباطی خود را اعمال کنند و در این مورد، همواره ثابت قدم باشند. هر اندازه که اجرای سیاست مداومتر باشد، دانش آموزان هم بیشتر در خواهند یافت که پاسخهای انضباطی از سوی معلم از قانون ناشی می شود، نه از شخص معلم. گوش دادن به دلیل تراشی آنان یعنی دادن یک شانس احتمالی. علاوه بر این نگذارید رفتار خوب یک دانش آموز، روی مسئولیت شما در تادیب رفتار بد وی تأثیر بگذارد. برخی از معلمان به دانش آموزانی که صبح رفتار ناشایستی داشته اند، اجازه رهایی از برخورد انضباطی را می دهند، چرا که این عده بعدازظهر همان روز، رفتار صحیحی از خود نشان داده اند. نتیجه این خواهد شد که بچه ها به انجام رفتار سوء در ساعات اولیه روز ترغیب شوند.

محیط کلاس را به نحو مطلوبی سازماندهی کنید

بهترین مدیریت کلاس، آنهایی هستند که از بروز مشکلات جلوگیری می کنند و اصلاح و تعدیل محیط کلاس درس می تواند کم و بیش این نقش را ایفا کند. سعی کنید محیط را غنی سازید. محیطهای غیرجالب، خسته کننده و یکنواخت و معمولی هستند. غنی سازی تنها شامل آراستن محیط فیزیکی نیست، بلکه شامل هرآنچه که در محیط اتفاق می افتد نیز می شود. سعی کنید مکانهای مخصوصی برای مطالعه به شکلی آرام به وجود آورید. همه ما از ارزش توسعه دادن به محیط آگاهی داریم. برای توسعه محیط درس باید ببینید چه امکاناتی در منطقه شما وجود دارد که می تواند آنها را در دسترس دانش آموزان قرار داد. البته گاهی اوقات هم با محدود کردن محیط می توان به ایجاد انضباط کلاسی کمک کرد. برای این منظور باید برای مکانهای ممنوع معین شده، سرو صدای ناشی از صحبتهای دانش آموزان، قسمت های مختص نقاشی و... شرایطی را در نظر بگیریم.

اساس و ریشه رفتارهای نامطلوب را از بین ببرید

دانش آموزی که در کلاس مشکل تراشی می کند و در نتیجه توجه همسالانش را به خود معطوف می سازد، برای عملش پاداش گرفته است. او در کار "سرگرم نمودن معلم به خودش" توفیق یافته و ممکن است به همین صورت نیز پاداش دریافت نماید. گناهی این عبارت معلم را مورد بحث قرار می دهد که "به او توجه نکن، فقط می خواهد خود نمایی کند." او نشان می دهد که نادیده انگاری رفتار خلافی که برای دانش آموز خطرناک نباشد، احتمالاً منجر به نابودی آن رفتار خواهد شد. برخی از معلمان به وسیله تنبیه در صدد انهدام رفتار ناخواسته برمی آیند که مانند به کار بردن یک آتش خاموش کن آبی است برای یک آتش سوزی ناشی از برق! ابتدا به نظر موثر می آید. شعله ها کم می شوند، ولی به محض اینکه سرتان را برگردانید، آتش دوباره شعله ور می شود. منشاء آتش را بیابید، یعنی اساس رفتار ناخواسته را، و آتش خاموش کن مناسب را به کار بگیرید. تقویت رفتار را کنار بگذارید که همین به تنهایی منجر به انهدام رفتار ناخواسته خواهد شد.

ارتباطات چشمی را دست کم نگیرید

چشم یک فرد می تواند خیلی گویا باشد. یک نگاه اجمالی به سرتاسر کلاس و به دانش آموز خلافاکار، می تواند رفتار خلاف را در مسیرش متوقف نماید، و این امر بدون هیچ گونه مزاحمت و اغتشاش برای بقیه افراد کلاس صورت می گیرد. ارتباط چشمی به همین میزان قادر به ارسال پیام تایید، پذیرش و اظهار درک و شناخت احساسها می باشد. خیره شدن برای معلمان معتقد به دخالت، و نیز معلمانی که عدم مداخله را تمرین می کنند، ابزار مناسبی است و این کاملاً به این بستگی دارد که فرد چگونه به ارسال پیام چشمی بپردازد. هنگامی که پیام چشمی با دیگر اشارات و حرکات غیرکلامی همراه شود، نقش موثری در حفظ نظم کلاس ایفا می کند، مانند گذاشتن انگشت اشاره بر لب برای بیان ساکت بودن. کاربرد پیامهای چشمی همچنین می تواند در افزایش کارایی و تاثیر پیامدهای ارائه شده، نقش بسزایی داشته باشد.

سوء رفتارهای خاص را دقیق مشخص کنید و به آن عنوان کلی ندهید

برای آن که فن مدیریت کلاس درس بتواند در تغییر رفتار یک دانش آموز موفق باشد، ابتدا آن رفتار باید تشخیص داده شود. رفتارهای خاص باید شناسایی شوند، چون آنچه را که فرد می تواند امید به تغییر دانش داشته باشد تنها رفتارهای خاص هستند نه خصوصیات عمومی و کلی. اظهار این که یک دانش آموز "همکاری نمی کند - دردرس آفرین - غیرقابل اعتماد و ... است، مطلبی به ما نمی دهد. این اصطلاحات برای افراد مختلف معانی متفاوتی دارد. آنچه که این جا اهمیت دارد، نوع رفتارهای خاص دانش آموز است که به نتیجه گیری کلی انجامیده می شود. تنها این رفتارهای خاص هستند که ممکن است افزایش یابند، به میزان فعلی باقی بمانند و یا کم شوند که در حقیقت همان هدف ماست. بنابراین، رفتارهای خاص قابل مشاهده را موضوع مورد توجه خود قرار دهید. به عنوان مثال اگر دانش آموزی به خاطر هل دادن همکلاسی اش در زمین بازی، یک "درس آفرین" نامیده می شود، پس رفتاری که باید اصلاح شود، "هل دادن همکلاسی" است نه عنوان نامفهوم "درس آفرین" بودن.

نشان دهید که از آنچه در کلاس جریان دارد، آگاه هستید

معلمان با "امروزی بودن"، هویت و زمان هدف را هنگام ارائه مراحل ایجاد توقف در رفتار نشان می دهند. منظور از هویت و زمان هدف، به دام انداختن مقصر واقعی، یعنی تادیب کودک خلافاکار واقعی است. هنگامی که تعدادی از بچه ها کار خلاف می کنند و یا تماشاگران و پیروانی دارند، معلم با حواس جمع، شخص اصلی یعنی محرک را از بقیه جدا می کند. تشخیص اشتباه در تعیین دانش آموز خطاکار و بدتر از آن تنبیه اشتباهی دانش آموزی که خطاکار نیست، به طور جدی قدرت نفوذ و اعتبار شخص را به عنوان یک نظم دهند تضعیف می کند. معلمان "امروزی" زمان بندی صحیح را نیز نشان می دهند. آنها پیش از این که رفتار انحرافی به طور جدی گسترش یابد، فنون مدیریت کلاس خود را اجرا می کنند.

به رفتارهای طبیعی جنبه قانونی بدهید

در حکایتی آمده است که مسؤولان یک دانشکده کوچک می خواستند تصمیم بگیرند پیاده رویهای یک سری ساختمان جدید را کجا بنا کنند تا به بهترین نحو پاسخگوی سلیقه دانشجویان باشد. بعد از مشورت جواب نهایی این شد که هیچ پیاده رویی حداقل در ابتدا ساخته نشود. و دانشجویان با رفت و آمد خود را هابی به وجود آوردند و سلیقه و انتخابشان را نشان دادند. این راه های خاکی سپس با بتون فرش شد و به این ترتیب "پیاده رو جنبه قانونی به خود گرفت". در واقع رفتار طبیعی دانشجویان جنبه قانونی به این موضوع داده بود. دانش آموزان هم رفتارهای مختلفی در مدرسه از خود نشان می دهند، صحبت با همکلاسی ها، فراموش کردن برگه های تکلیف و ... نمونه هایی از این رفتارهاست که برای معلمان ناخوشایند می آید. هنگامی که نمی توانید رفتار غیرقانونی معینی را متوقف کنید، آن را قانونی کنید. قانونی کردن جذابیت رفتار را در وهله اول کاهش می دهد. به طور مثال دانش آموزان زمانی را برای گپ زدن با همکلاس های خود داشته باشند. مدت زمان پیش بینی شده شاید فقط یک دقیقه یا کمی بیشتر باشد، با این حال برای آنان واقعاً وقت زیادی است. آنان می توانند وقتی برای گپ زدن داشته باشند مشروط بر اینکه در سراسر روز این کار را انجام ندهند.

دانش آموزان را با احترام صدا کنید

خطاب کردن دانش آموزان با عناوین آقا و خانم می تواند انتظاری را ایجاد کند که از طریق رفتار فرد نیز برآورده خواهد شد. هنگامی که دانش آموز را آقا یا خانم خطاب می کنیم، احساس بزرگ بودن و بالغ شدن در آنها ایجاد می شود. عنوان آقا و یا خانم حاکی از اعتماد و احترام از سوی معلمی است که فرد را شایسته و مستحق آن عنوان می داند و دانش آموزان نیز تلاش می کنند که آن احترام و اعتماد را حفظ و یا آن را بدست آورند. و بیشتر به صورت رشد یافته و بالغ رفتار کنند، و در نتیجه کمتر دست به عمل خلاف خواهند زد.

نام دانش آموزان را به خاطر بسپارید

نام دانش آموزان را سریع یاد بگیرید. این کار یک الزام و ضرورت است. بسیاری از روشهای مدیریت کلاس و نیز روشهای تدریس با دانستن نام دانش آموز کامل می شود. این امر باعث می شود تا دانش آموز را حتی وقتی به او نگاه نمی کنید، بتوانید مورد خطاب قرار دهید. یا هنگامی که دانش آموزی به درس توجهی ندارد با ذکر نام، او را متوجه کلاس کنید. از دانش آموزان بخواهید نام خود را روی کارتهای ۴در ۶ اینچی بنویسند و روی میزهای خود قرار دهند تا شما در حین تکالیف انجام دادن آنها نام آنان را بخاطر بسپارید.

انتظارات خود و نیازهای دانش آموزان را باهم در نظر بگیرید

معلمان باید پیش از وقت کلاس، فکر کنند که حداقل انتظارات آنها چیست. منظور از حداقل انتظارات نحوه رفتار دانش آموزان است به ترتیبی که نیازهای یادگیری آنها را قبل از شروع به تدریس تامین می کند. حدود انتظارات شما باید در کمترین سطح ممکن باشد. باید آنها را به طور آشکار برای دانش آموزان بیان، و به عنوان "علت و معلول" از آنها دفاع کرد. این انتظارات باید مستمرا مورد تقویت قرار گیرند. فرض کنید که دانش آموزان نمی دانند چه چیزی برای شما اهمیت دارد و چه چیزی بی اهمیت است. حداقل پیش نیازهای شما ممکن است دانش آموزان مشابه یا متفاوت باشد، به هر حال فرقی نمی کند. شما باید حداقل انتظارات خودتان را تعیین و اعلام، و از آنها دفاع کنید. به سخنان دانش آموزان خود گوش کنید. هنگامی که احتیاجاتشان را اعلام می کنند، تا حد امکان به آنها پاسخ دهید. آنها به کمک نیاز دارند و اغلب به کمک شما. و حتی خود شما هم نمی توانید به تنهایی نیازهایتان را برآورده کنید و به کمک نیاز دارید. بنابراین به نظر می رسد که دانش آموزان و معلمان در وضعیتی قرار دارند که می تواند نیازهای متقابل یکدیگر را برآورده سازند.

نتایج تکالیف و امتحانات را زود اعلام کنید

روانشناسان تربیتی معتقدند که دانش آموزان به فراگیری خود ادامه نخواهند داد مگر این که "نتیجه کار خود را بدانند" یا به طور دقیق تر "از نتایج مطلوب کار خود مطلع شوند". یادگیرنده می خواهد بداند طرز کارش چگونه است. شاید بسیاری از تکالیف و آزمونهایی که از دانش آموزان می خواهیم، برای دانستن این نکته باشد. ما از دانش آموزان می خواهیم آماده باشند، مجهز باشند، این کار را تکمیل کنند، اما آیا آنها از این که در بازگرداندن اوراق و آزمونهایشان تاخیر و مسامحه می کنیم، به اندازه ما ناراحت نمی شوند؟ و این نارضایتی را به صورت رفتار ناشایست نشان می دهند. اگر به طریقی رفتار نکنیم که دانش آموزان بفهمند که به نظر ما، تکالیف و آزمونهایی که توسط ما تعیین می شود، اهمیت دارد، چگونه از آنان انتظار خواهیم داشت که تکالیف را جدی بگیرند؟ بازگرداندن کارهای دانش آموزان با سرعت زیاد و تصحیح آنها با دقت هرچه بیشتر، این پیام را به دانش آموزان می دهد که "این کار مهم است".

به قوانین و رویه ها توجه کنید

دانش آموزان باید قوانین را بپذیرند و با آنها موافقت داشته باشند. یکی از راه های وصول این مورد این است که با صرف وقت، رابطه علت و معلول در قوانین و ارتباط بین هر قانون و نتیجه آن را برای آنها تشریح شود و علت ممنوعیت آن روشن گردد. دقت داشته باشید که دانش آموزان در وضع قوانین دخالت داشته باشند. بدون شک قوانینی که دانش آموزان وضع خواهند کرد، مشابه آنهایی خواهد بود که معلمان و مسؤولان وضع کرده اند، اما وقتی که خودشان وضع کنند، به آنها احترام خواهند گذاشت. دانش آموزان هم باید قوانینی داشته باشند، چون شرایط و محیط مدرسه تغییر می کند. پس قوانین باید قابلیت تغییر داشته باشند.

قبل از شروع درس، حواس دانش آموزان را متمرکز کنید

پیش از شروع درس، توجه همه را جلب کنید. اگر دانش آموزی گفته های شما را نشنود، مطمئن باشید که برای کسب اطلاعات نظم کلاس را دچار اختلال خواهد کرد. فنون مختلف را به منظور جلب توجه دانش آموزان به کارگیری. برخی از اینها آسان و ساده هستند. می توانید فقط به دانش آموزان بگویید: خوب، بیایید شروع کنیم. یا همه چیز به جز کتاب ریاضی تان را کنار بگذارید. از دیگر روشهای متداول جلب توجه دانش آموزان می تواند این باشد که فقط مقابل دانش آموزان بایستید و هیچ چیز نگویید. سکوت اغلب رساترین پیام است. به هنگام کاربرد هر یک از روشهای غیرکلامی برای جلب توجه، حتما ابتدا مفهوم آن پیامها را به آنان بیاموزید.

دانش آموزان را متعجب و غافلگیر کنید

سعی کنید دانش آموزان خود را بیشتر درک کنید، درباره کارشان در کلاسهای دیگر، موفقیت هایشان در ورزش، تجارب کار نیمه وقت، زندگی خانوادگی، امور فوق برنامه و ... انجام این کار خیلی دشوار نیست. کمی وقت شما را می گیرد، فقط چشمها و گوشه پاتان را باز کنید. مثلا "محمد شنیده ام که در پیشاهنگی به خاطر حسن اخلاق و کار موثر؛ نشان گرفته ای" زیاد روی مساله باقی نمانید و به دانش آموزان زمان تفکر در این که چگونه این اطلاعات را فهمیده اند، ندهید. فقط به اطلاعات تعجب آور اشاره کنید و به تدریس خود بپردازید. به کارگیری این اطلاعات چند اثر دارد. به طور حتم این کار به دانش آموزان این مطلب را می رساند که شما در محیط خارج از کلاس آنها هم اطلاعاتی دارید. این نشان می دهد که شما موفقیت های دیگرشان را نیز در نظر می گیرید. اینها شاید کمک زیادی به خود شما نکنند، ولی قدرت ارجاعی شما را بالا می برد. متحیر کردن دانش آموزان یک حسن دیگر هم دارد و این است که دانش آموز را امیدوارتر می کند. و آنان را به حیرت و می دارد که شما از کجا این موضوعات را می دانید. و با خود تصور می کنند که اگر کار بدی هم بکنند شما متوجه آن می شوید و این تاثیر را در آنان دارد که چشمها و گوش های شما همه جا هستند.

سرحال و خوشرو باشید

نگران نباشید و خوشحال باشید. شما نهایت کوشش خود را بکنید تا نگرانی خود را در بیرون مدرسه بگذارید، چرا که بعد از بیرون آمدن از مدرسه، می توانید آنها را پیدا کنید و هیچ کس آنها را بر نمی دارد. اگر مشکلات شخصی خود را به کلاس ببرید، در تدریس و یادگیری دانش آموزان اثر می گذارد. حتی کوچکترین مشکلات شما که می تواند روی زندگی دانش آموزان موثر باشد، این نتیجه را خواهد داشت. وقتی با یک دوست یا همکار وقت خصوصی دارید، می توانید در مورد مشکلات یکدیگر صحبت کنید، بعد هنگامی که زنگ کلاس می خورد، مشکلات را کنار بگذارید و تمام توجه خود را صرف نقش معلمی خود کنید. برخی اوقات، مشکلاتی در وضع جسمانی شما وجود دارد که نمی توان آن را پنهان کرد. به عنوان مثال، اگر پشت شما شب قبل در اثر افتادن از روی پله ها رگ شده باشد، حرکت شما در کلاس با مشکل همراه خواهد بود. در این صورت لازم است شما این موضوع را به طور خلاصه برای دانش آموزان بیان کنید. مثلا بگویید: "چون از روی پله ها افتاده ام وقتی شما دست خود را برای سوال بالا می برید، من نمی توانم به طرف میز هایتان برگردم خواهش می کنم هنگامی که سوالی دارید، خودتان سر میز من بیایید"

به دانش آموزان فرصت فکر کردن بدهید

یک بررسی در مورد معلمان راجع به مقدار زمانی که صرف سوال می کنند، نشان می دهد که به نظر آنان این امر معمولی است که وقتی سوالی را مطرح می کنند، قبل از تکرار آن، بیشتر از یک ثانیه منتظر نمانده و فردی را برای جواب دادن صدا بزند. راثو می گوید دانش آموز اول که پاسخ داد، معلم کمتر از یک ثانیه منتظر می ماند و سپس نفر بعدی را صدا می زند. نتیجه این گونه رفتارها، اغلب به وجود آمدن یک نوع دستپاچگی و تشویش در سوال و جوابهاست که باعث ایجاد خستگی و ناامیدی در دانش آموزان و معلم می شود و تحریک فکر دانش آموز با کیفیت توضیح او را کاهش می دهد. به نظر راثو هنگامی که معلمان زمان پاسخ گویی به جواب را افزایش می دهند، چند چیز اتفاق می افتد، طول جواب دانش آموز زیاد می شود، تعداد جوابهای مناسب افزایش می یابد، وجود شکست در جواب دادن کاهش می یابد، وقایع فکری-ذهنی افزایش می یابد، شرکت افراد کند بیشتر می شود. و نظم در کلاس به طور هیجان انگیزی افزایش پیدا می کند.

دانش آموزان را در پیدا کردن راه حل مشکلاتشان یاری کنید

هرچه ارتباط بین معلم و دانش آموز قویتر باشد، نیاز کمتری به استفاده از تکنیکها برای اداره کلاس است. چگونگی ارتباط بین آنها به کمک پاسخهای معلم به سوالات دانش آموز که اغلب با احساسات قوی همراه است، مشخص می شود. به عنوان مثال، یک دانش آموز ممکن است به علت این که در امتحان نمره خوبی نگرفته یا دوستی را از دست داده، احساس شکست کند. این موقعیتها و افکار می تواند باعث ایجاد مشکلات رفتاری شود و در تکلیف دانش آموز نیز مداخله کند. در شرایط توصیف شده فوق این دانش آموز است که مشکل دارد و ما به عنوان فردی که می خواهد به او کمک کند، باید با او همدردی کنیم. در این راه برخی از معلمان در ارائه راه حل از پیشنهاد خود دفاع می کنند که در این صورت هیچ نتیجه ای ندارد. با بیان این جمله در ابتدای سخن که "شما مجبور نیستید راه حل مرا دنبال کنید، ولی اگر من به جای شما بودم این کار را می کردم..." می توانید نظر دانش آموز را نسبت به خود تغییر داده و کاری کنید که او احساس کند باید به نصیحت شما توجه کند.